

## بررسی عوامل موثر بر گرایش به جراحی های زیبایی ... علیرضا کلدی و همکاران

### بررسی عوامل موثر بر گرایش به جراحی های زیبایی و مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام در سال ۱۳۹۵

حشمت قبادی<sup>۱</sup>، علیرضا کلدی<sup>۲\*</sup>، سیدمحمدصادق مهدوی<sup>۲</sup>

۱) گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۲) گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۲۵

#### چکیده

**مقدمه:** امروزه مدیریت بدن و متغیرهای موثر در گرایش به آن از مباحث مهم در جامعه شناسی پزشکی است. بدن صرفاً جنبه زیستی و روان شناختی نداشته بلکه پدیده ای است که به صورت اجتماعی ساخته و پرداخته می شود.

**مواد و روش ها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری پژوهش تمام زنان ۱۹ تا ۴۴ سال شهر ایلام می باشد که طبق اطلاعات مرکز آمار ایران تعداد آن ها ۴۷۰۹۰ نفر بود که از این تعداد ۳۸۱ نفر بر اساس فرمول کوکران و با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به عنوان نمونه انتخاب شد اما به دلیل مخدوش بودن ۱۱ پرسشنامه ۳۷۰ مورد برای تحلیل نهایی برگزیده شد. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته بوده است. مدیریت بدن در چهار بُعد رویه های لاغری و سلامتی، جراحی های زیبایی، نوع پوشش (لباس) و مراقبت های بهداشتی مورد بررسی قرار گرفت. جهت تحلیل داده و آزمون فرضیه ها از روش های آماری توصیفی (میانگین، فراوانی، درصد) و آمار استنباطی (آزمون کولموگروف - اسمیرونوف، ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن و جدول آنالیز واریانس) استفاده و به این منظور از نرم افزار SPSS بهره گرفته شد.

**یافته های پژوهش:** نتایج نشان داد که اکثریت زنان مطالعه شده متأهل، خانه دار و متعلق به طبقه ی متوسط بوده اند. ضمن این که میان متغیرهای سن، مصرف رسانه ای، فشارهای اجتماعی- فرهنگی، وضع تأهل، میزان تحصیلات و درآمد با مدیریت بدن رابطه معنا دار وجود دارد.

**بحث و نتیجه گیری:** رسانه ها در جهان امروز یکی از عوامل اصلی مدیریت بدن به حساب می آیند و در انتقال فشارهای اجتماعی - فرهنگی برای لاغر شدن و اندام متناسب نقش مهمی بازی می کنند. تحصیلات نیز از عوامل اجتماعی تعیین کننده نوع مدیریت است. افزایش تحصیلات، زنان را مجاب می کند که در دوره های متفاوت زندگی متناسب با تحصیلات خود نسبت به کنترل، تنظیم و مانیتور بدن خود اقدام کنند.

**واژه های کلیدی:** مدیریت بدن، مصرف رسانه ای، فشارهای اجتماعی - فرهنگی، زنان ایلام

\* نویسنده مسئول: گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

Email: [arkaldi@yahoo.com](mailto:arkaldi@yahoo.com)

## مقدمه:

مدیریت بدن از مفاهیم اساسی جامعه شناسی پزشکی است و به معنای دستکاری در صورت ظاهری بدن می‌باشد. با ظهور عصر جدید جامعه مصرفی، نما و صورت ظاهری بدن برای افراد جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است.

«جایگاه والای بدن در گفتمان مدرن به حدی است که ترنر از آن به چرخش به سمت جامعه جسمانی یاد می‌کند (۱). بدن دیگر یک هستی زیست شناختی و روان شناختی صرف نیست بلکه پدیده‌ای است که به صورت اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود» (۲). تأکید روز افزون بر بدن با عواملی چون، تغییر ماهیت تحمل بیماری، عوامل جمعیتی، سیاسی شدن بدن، افزایش فرهنگ مصرفی، فناوری‌ها جدید و مرتبط با بدن، چرخش به مدرنیته‌ی متأخر و در نظر گرفتن بدن به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی و بیولوژیکی نا تمام در حال تغییر، در ارتباط است (۳) اهمیت نمای ظاهری بدن در عصر جدید و بصری شدن معیارها و ملاک‌های زیبایی، افزایش علاقه به جوانی موجب گرایش اقشار و گروه‌های مختلف به مدیریت بدن شده است، که به دلیل وجود ایدئولوژی‌های جنسیتی حاکم بر جوامع، این تمایل در بین زنان و دختران بیش تر است. لذا به نظر می‌رسد جنسیت نقش کلیدی و محوری داشته باشد. چرا که عواملی چون قد، وزن، رنگ پوست، حالت چهره و دیگر عوامل بیولوژیک با توجه به جنس مهم تلقی می‌شود.

بسیاری از دختران از بدو نوجوانی یک حس خود بی‌زاری را در خود، درونی و ملکه‌ی ذهن می‌کنند (۴). گاه چنین تصویری، زنان را به درگیری روان شناختی و ذهنی، تشویش، وسواس، عدم اعتماد به نفس و افسردگی سوق می‌دهد. به علاوه، از آن جا که در جوامع کنونی، ظاهر هر فرد مبنای پذیرش اجتماعی اوست، تمایل به مدیریت بدن، به نوبه‌ی خود، زمینه را برای معضلی به نام «پارادوکس ارزش سلامت و ارزش زیبایی» فراهم کرده است. (۵) به این معنا که در بسیاری از مواقع زنان و دختران با تحمل رژیم‌های سخت و طاقت فرسای لاغری به منظور داشتن اندام

لاغر و باریک و جراحی‌های متعدد صورت و بینی و سایر اندام‌ها، زیبایی را به سلامت ترجیح می‌دهند.

در دهه‌های اخیر، به دلیل رشد فناوری‌ها رسانه‌ای و اطلاعاتی، نفوذ فرایند جهانی شدن، تنوع یافتن تولیدات لوازم آرایشی و بهداشتی و رواج جراحی‌های زیبایی، الگوهای متنوعی را در عرصه‌ی خود اظهاری و خود آرایی جوانان ایرانی شاهد هستیم (۶) و تناسب اندام به عنوان معیار زیبایی اندام مورد توجه قرار گرفته است. نگرانی از بابت نداشتن اندامی موزون، بد شکل و نا زیبا موجبات دغدغه خاطر افراد از حیث عدم پذیرش اجتماعی شده است. با توجه به این که زنان در مقایسه با مردان نسبت به وضع ظاهری و زیبایی خود حساسیت بیش تری نشان می‌دهند، این توجه وافر آنان را و می‌دارد تا رفتارهایی گاه افراطی به منظور زیبایی چهره و اندام خود اتخاذ کنند که تبعات سوئی را به بار می‌آورد (۷). نمونه‌ی بارز این ادعا، دختران و زنانی است که به کرات اقدام به جراحی‌های گوناگون و رعایت رژیم‌های غذایی لاغری جهت دست یابی به زیبایی و تناسب اندام نموده اند که گاه نه تنها به نتیجه مطلوب دست نیافته‌اند بلکه در مواردی زیبایی اولیه را نیز از دست داده اند و در حساس ترین شرایط رشد بدنی، خود را از شرایط تغذیه‌ی سالم و متعادل محروم می‌سازند. مدیریت بدن به کمک معرف‌هایی در چهار بُعد مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی (آرایش مو، اصلاح صورت، استفاده از عطر، ادکلن، دئودورانت، رنگ مو، آرایش ناخن، استحمام روزانه). جراحی‌های زیبایی (جراحی زیبایی بینی، گونه، گوش، لیفتینگ، تاتو کردن، انجام لیپوساکشن) نوع لباس (پوشش) (لباس‌های کوتاه و اندامی، لباس‌های نازک و آستین کوتاه، لباس‌های بدن نما و ...) رویه‌های لاغری و سلامتی (پیاده روی، کنترل مرتب وزن، انجام ورزش‌های هوازی، استفاده از سونای خشک ...) به یک شاخص تجملی (نماد منزلت) تبدیل شده است.

از نظر فدراسیون، عامل اصلی تنظیم و مدیریت بدن در فرهنگ مصرفی، رسانه‌ها و تکنولوژی‌ها هستند (۸) در جوامع مدرن کنونی، توجه به اندام به عنوان یک رسانه مد نظر است. ارتباطات روزافزون جوامع با یکدیگر و برخورد و تعامل بین فرهنگ‌های گوناگون موجب شده

شده است. بنابراین هدف این مطالعه، بررسی عوامل مرتبط با مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام می‌باشد.

### مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر بر اساس هدف کاربردی و از بعد روش توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، تمامی زنان ۱۹ تا ۴۴ سال شهر ایلام است که تعداد آن‌ها بالغ بر ۴۷۰۹۰ نفر بود. از این تعداد بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن حداکثر واریانس، نمونه‌ای به حجم ۳۸۱ نفر انتخاب شد. اما به دلیل مخدوش بودن ۱۱ پرسشنامه، در نهایت ۳۷۰ پرسشنامه برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. چارچوب نمونه گیری پژوهش، محدوده شهر ایلام بود که به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای مورد استفاده قرار گرفت. روش کار نمونه گیری به این صورت بود که در مرحله نخست، محله‌های مختلف شهر ایلام (۱۲ محله) به عنوان خوشه‌ها در نظر گرفته شد و در مرحله دوم نمونه گیری در داخل هر یک از خوشه‌ها (براساس فهرست منازل [خانوارها] موجود در مراکز بهداشت محله‌ها) به روش تصادفی منظم انجام و حجم نمونه ی نهایی از میان خانوارها انتخاب شد. نحوه انتخاب نمونه‌ها به این صورت بود که ابتدا فاصله نمونه گیری مشخص گردید.  $k = \frac{N}{n}$  و سپس عددی به صورت تصادفی در فاصله ی ۱ تا k انتخاب نموده و به این ترتیب نمونه‌های بعدی طبق فهرست خانوارها انتخاب گردید.

از آن جا که نوع پژوهش در این مطالعه، مبتنی بر پارادایم کمی و روش مورد استفاده از نوع پیمایشی است. لذا ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه می باشد. پرسشنامه‌ای محقق ساخته که با لحاظ نمودن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد مطالعه و بهره گیری از نتایج تحقیقات مشابه برای سنجش ابعاد مختلف مدیریت بدن تنظیم گردید. این پرسشنامه مدیریت بدن را در چهار بُعد (مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی، نوع لباس (پوشش)، جراحی‌های زیبایی و رویه‌های لاغری و سلامتی) سنجش می‌کند. روایی محتوایی پرسشنامه را تعدادی از اعضای هیأت علمی و استادان و صاحب نظران جامعه شناسی و روان شناسی در این حوزه بررسی کردند و پس از رفع ناهمسانی‌های

تا برخی از ایده‌های فرهنگی در سطح جهانی گسترش یابند. یکی از این ایده‌ها، اندام متناسب و زیباست که به گونه‌ای روزافزون به شکل اندام لاغر باز تعریف می‌شوند (۲). نمود این ایده‌ها را می‌توان در فیلم‌ها (به ویژه هالیوودی آن) عروسک‌ها (باربی ....) و نظایر آن مشاهده کرد. لذا افراد برای تولید و باز تولید هویت خود و تأثیر گذاری بر دیگران و البته، زیر فشار جامعه به انحای گوناگون بدن‌هایشان را مورد مراقبت قرار می‌دهند و با استفاده از ابزارهای گوناگون موجود، آن را مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای درون جامعه می‌آریند (۹) شواهد نشان دهنده‌ی تغییر فرهنگی در ایران و ترجیح بدن لاغر در بین زنان است.

نتایج پژوهش‌هایی که درباره مدیریت بدن صورت گرفته است گویای این واقعیت است که «مصرف رسانه ای، پذیرش اجتماعی بدن، پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد با مدیریت بدن رابطه‌ی مستقیم دارند» (۱۰). رضایی و همکاران دریافتند که «مصرف گرایی، فشار اجتماعی و مصرف رسانه‌ای عوامل مستقیم مؤثر بر مدیریت بدن بوده‌اند» (۱۱). «جنس، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دیانت، نگرش سنتی خانواده» (۱۲) مقایسه اجتماعی بدن، گروه‌های مرجع، سرمایه فرهنگی و اقتصادی، تحصیلات» (۱۳). «دوستان، خویشاوندان و هم کلاسی‌ها، مجلات و ژورنال‌ها، شغل، وضعیت تأهل، و وسایل ارتباط جمعی» (۱۴) از جمله عوامل مؤثر بر مدیریت بدن بوده اند.

گلیزر در مطالعه خود دریافت که «زنان نیاز روان شناختی قوی برای حفظ و پیگیری زیبایی و ارتقاء جذابیت دارند. آن‌ها نسبت به مردان به تصویر بدنی خود حساس ترند» (۱۵). تیلکا «نشان داد که نا رضایتی عضلانی و نارضایتی از وزن بدن، دو مولفه‌ای هستند که مردان را به رفتارهای مدیریت بدن ترغیب می‌کنند» (۱۶) مطالعه باردن - کن، کس وفورد نشان داد که فشارهای ادراک شده از رسانه‌ها در مردان تأثیر گذار تر از زنان بوده در حالی که زنان به متغیرهای زیستی، روانی و اجتماعی واکنش بیش تری می‌دهند. (۱۷)

امروزه فشارهای اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای بر زیبایی و نظارت بر بدن و گرایش افراد به مدیریت بدن

کرونباخ برای ابعاد چهارگانه ۰/۹۰۲ یا (۹۰/۲) بود که ضریب بالایی برای آزمون است. ضمن این که میزان اعتبار کلیدی ابعاد مدیریت بدن با استفاده از ضریب K.M.O که به میزان ۰/۸۶۴ بود، مورد سنجش قرار گرفت که سطح قابل قبول و بالایی می‌باشد. مدیریت بدن که متغیر وابسته پژوهش است در چهار بعد اندازه گیری شد و آیت‌های آن در جدول تحلیل عاملی منعکس شده است. آیت‌ها در هر یک از ابعاد به صورت طیف پنج گزینه‌ای برای پاسخگویان ارائه شد.

موجود، پرسشنامه تنظیم شد. به منظور بالا بردن پایایی ابزار سنجش، آزمون مقدماتی انجام شد. به این صورت که پرسشنامه بین ۳۰ نفر از زنان شهر ایلام توزیع گردید، سپس با استفاده از آزمون‌های تحلیل عاملی و سنجش پایایی به بررسی گویه‌های مقدماتی پرداخته و در نهایت با جرح و تعدیل گویه‌ها، پرسشنامه‌ی نهایی تدوین شد. در این پرسشنامه، سوالات مربوط به ابعاد چهارگانه مدیریت بدن به صورت طیف لیکرت پنج گزینه‌ای برای پاسخگویان ارائه گردید. میزان آلفای

جدول شماره ۱- نتایج تحلیل عاملی مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام

نتیجه کلی آزمون K.M.O	ابعاد مدیریت بدن	عامل‌های مدیریت بدن				اجزای مدیریت بدن
		عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل نخست	
مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی						۰/۸۴۵ - استفاده از لاک ناخن
						۰/۷۸۹ استفاده از ناخن مصنوعی
						۰/۷۷۰ استفاده از عطر، ادکلن، دئودورانت
						۰/۷۵۲ رنگ مو، مش‌های لایت
						۰/۷۳۴ استفاده از رژگونه و ریمل
						۰/۷۲۳ استفاده از کرم‌های روشن کننده
						۰/۷۱۴ استفاده از رژلب و خط چشم
						۰/۷۰۳ استحمام روزانه
						۰/۶۹۴ استفاده از کرم‌های مرطوب کننده
						۰/۶۸۶ آرایش مرتب موهای سر
						۰/۶۸۱ مسواک زدن
						۰/۶۷۲ استفاده از سایه چشم
						۰/۶۶۴ اصلاح منظم ناخن
						۰/۶۶۱ استفاده از کرم‌های ضد آفتاب
۰/۶۱۰ اصلاح مرتب موهای زائد						
۰/۶۰۹ استفاده از مداد ابرو						
نوع لباس (پوشش)						۰/۸۸۷ استفاده از لباس‌های اندامی بر اساس مد روز جامعه
						۰/۸۵۲ استفاده از لباس‌های بدن نما در میهمانی‌ها
						۰/۸۳۵ استفاده از لباس‌های کوتاه و اندامی
						۰/۸۲۸ استفاده از لباس‌های نازک و آستین کوتاه در حضور اقوام و خویشاوندان
توجه‌های زیبایی						۰/۸۱۲ جراحی زیبایی گونه
						۰/۷۹۶ تاتو کردن ابروها
						۰/۷۹۶ لیفتینگ
						۰/۷۵۳ استفاده از بوتکس
						۰/۷۳۶ لنز گذاری
						۰/۶۹۷ انجام لیپو ساکشن
						۰/۶۹۱ جراحی زیبایی گوش
						۰/۶۷۵ جراحی زیبایی بینی
						۰/۶۶۱ کاشت نگیں دندان
						۰/۶۶۰ انجام ارتودنسی
۰/۶۵۸ کوچک / بزرگ کردن سینه‌ها						
۰/۶۳۸ جراحی زیبایی پلک						
۰/۶۳۳ رفع لک‌های تیره صورت با لیزر						
۰/۶۲۸ تزریق ژل در لب‌ها						

۰/۶۱۲

۰/۷۴۰  
۰/۶۸۴  
۰/۶۴۲  
۰/۵۹۰  
۰/۵۰۵  
۰/۴۵۱  
۰/۴۴۵  
۰/۴۴۰

رویه‌های لاغری و سلامتی

K.M.O = /۸۶۴  
= /۰۰۰

جراحی زیبایی چانه  
پیاده روی  
کنترل مرتب وزن  
انجام ورزش‌های هوازی (ایروبیک)  
حساسیت به افزایش وزن  
استفاده از رژیم‌های لاغری  
کنترل چربی شکم  
کنترل وزن یا رژیم غذایی  
استفاده از سونای خشک

ضمن این که نتایج تحلیل عاملی هر یک از ابعاد مدیریت بدن به ترتیب رویه‌های لاغری و سلامتی (۰/۷۴۸)، جراحی‌های زیبایی (۰/۶۹۹)، نوع لباس (۰/۶۰۷) و مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی (۰/۶۵۳) می‌باشد. بر اساس نتیجه‌ی تحلیل عاملی و با توجه به آماره K.M.O که میزان آن برابر است با ۰/۸۶۴ یا (۸۶/۴ درصد) نشان می‌دهد میزان اعتبار ابعاد مدیریت بدن در سطح بالایی قرار دارد و نتیجه آزمون بارلت نیز معنی دار است ضمن این که سوالات مطرح شده در ابعاد مدیریت بدن قدرت تبیین کنندگی مورد نظر را برای هر بُعد داشته اند.

جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که پایایی کلیه‌ی ابعاد مدیریت بدن با استفاده از شاخص ضریب آلفای کرونباخ بزرگ تر از ۰/۷۰ است لذا ابعاد مدیریت بدن از پایایی مناسب آزمون بر خوردار هستند. هم چنین میزان اعتبار کلیدی ابعاد مدیریت بدن، با استفاده از ضریب اعتبار K.M.O در سطح قابل قبول و بالایی قرار دارد. زیرا خطای آزمون آن به میزان (۰/۰۰۰) طبق آزمون بارلت کم تر از سطح خطای ۰/۰۵ است. به عبارتی، کلیه عناصر (سوالات) مطرح شده در ابعاد مختلف مدیریت بدن، قدرت تبیین کنندگی مورد نظر را داشته اند.

### یافته‌های پژوهش یافته‌های توصیفی

جدول شماره (۲) اطلاعات جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه

درصد فراوانی	فراوانی	متغیر	
۳۹/۵	۱۴۶	مجرد	وضع تأهل
۵۴/۶	۲۰۲	متاهل	
۲/۲	۸	بی‌همسر در اثر فوت	
۳/۸	۱۴	بی‌همسر در اثر طلاق	
۴/۶	۱۷	ابتدایی	تحصیلات
۷/۳	۲۷	سیکل	
۵۱/۹	۱۹۲	کاردانی	
۱۱/۶	۴۳	کارشناسی	
۱۸/۶	۶۹	کارشناسی ارشد و بالا تر	
۵/۹	۲۲		
۱۴/۱	۵۲	شاغل دولتی	وضع شغل
۷/۶	۲۸	شاغل غیر دولتی	
۳۸/۶	۱۴۳	خانه دار	
۲۴/۶	۹۱	در حال تحصیل	
۱۵/۱	۵۶	بیکار	
۷/۳	۲۷	بالا	طبقه‌ی اجتماعی
۷۲/۴	۲۶۸	متوسط	
۲۰/۳	۷۵	پائین	

### یافته‌های تحلیلی

قبل از تحلیل استنباطی فرضیه‌های پژوهش، ابتدا به مطالعه توصیفی و بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرونوف پرداخته شده است که نتایج آن در جداول (۳) ارائه شده است.

جدول (۲) نشان می‌دهد که از ۳۷۰ نمونه مورد مطالعه، ۵۴/۶ درصد متاهل، ۵۱/۹ درصد دارای تحصیلات کاردانی، ۳۸/۶ درصد خانه دار و ۷۲/۴ درصد دارای طبقه اجتماعی متوسط می‌باشند.

جدول شماره (۳) توزیع میانگین و آزمون نرمال متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل	تعداد	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون (Z)	معناداری
سن	۳۷۰	۱۹	۴۴	۲۹/۲۲۷	۶/۳۳۷۶۰	۱/۰۹۲	۰/۱۸۴
مصرف رسانه ای	۳۷۰	۱/۵۰	۴	۲/۸۳۳۳	۰/۶۴۴۵۴	۰/۷۴۰	۰/۶۴۴
فشارهای اجتماعی-فرهنگی	۳۷۰	۱/۲۲	۵	۳/۵۰۲۱	۰/۷۱۴۵۹	۰/۳۷۳	۰/۶۵۰

اجتماعی - فرهنگی ۳/۵۰۲۱ (بالا تر از حد متوسط) می‌باشد.

برای تحلیل سه فرضیه اول یعنی رابطه‌ی بین سن، مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی با مدیریت بدن زنان شهر ایلام از همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده استفاده شده است که نتایج تحلیل به صورت خلاصه در جدول (۵) ارائه شده است.

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که تمام مؤلفه‌ها دارای خطای معنی داری بزرگ تر از ۰/۰۵ می‌باشند و لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان چنین گفت که توزیع این متغیرها طبیعی بوده و لذا برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. هم چنین، در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، میانگین سن نمونه پژوهش حدود ۲۹ سال، میانگین مصرف رسانه‌ای پژوهش (در حد متوسط) و میانگین فشارهای

جدول شماره (۴): نتایج تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیونی ساده بین متغیرهای (سن، مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی) با مدیریت بدن زنان شهر ایلام

متغیرهای مستقل	تحلیل همبستگی (معنا داری)	ضریب همبستگی (معنا داری)	برآورد ضریب	خطای استاندارد برآورد ضریب	آزمون T (معنا داری)	ضریب تعیین
سن	-۰/۲۷۴	۵۸/۷۷	۳/۴۸۴	۰/۰۷۱	۴۹/۲۶۵ (۰/۰۰۰)	۰/۱۳۸
مصرف رسانه ای	۰/۴۵۸	۹۷/۵۸۱	۱/۹۱۹	۰/۰۲۰	-۷/۶۶۶ (۰/۰۰۰)	۰/۲۱۰
فشارهای اجتماعی - فرهنگی	۰/۵۷۹	۱۸۵/۵۷۷	۰/۵۹۷	۰/۰۳۸	۹/۸۷۸ (۰/۰۰۰)	۰/۳۳۵
	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	۰/۶۷۶	۰/۰۵۰	۱۳/۶۳۳ (۰/۰۰۰)	

بودن برآورد ضریب، نتیجه می‌شود که با بالا (پایین) بودن سن، میزان توجه (گرایش) به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام کاهش (افزایش) می‌یابد. سهم واریانس کسب شده توسط مولفه‌ی سن در مدیریت بدن زنان شهر ایلام ۱۳/۸ می‌باشد. هم چنین، داده‌های جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که همبستگی بین مصرف رسانه ای، فشارهای اجتماعی - فرهنگی با مدیریت بدن زنان شهر ایلام مثبت و معنا

با توجه به داده‌های جدول (۴)، مشاهده می‌شود که همبستگی بین سن و مدیریت بدن زنان شهر ایلام برابر ۰/۳۷۴- با معنا داری ۰/۰۰۰ می‌باشد و مقدار خطای آزمون آن کم‌تر از ۵٪ است لذا بین سن و مدیریت بدن زنان شهر ایلام یک رابطه‌ی معنا دار و معکوس وجود دارد. ضمن این که برآورد هم زمان ضرایب مدل رگرسیونی سن با استفاده از آزمون T و F از سطح خطای ۵٪ کم تر می‌باشند و با توجه به منفی

بالا (پایین) بودن مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی، میزان توجه (گرایش) به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام افزایش (کاهش) می‌یابد که سهم واریانس کسب شده توسط متغیرهای مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی به ترتیب ۰/۲۱۰ و ۳۳/۵ درصد می‌باشد. فرضیه شماره (۴): به نظر می‌رسد بین وضع تأهل و میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام رابطه معنا داری وجود دارد.

دار در سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنا بر این نتیجه می‌شود که بین مصرف رسانه‌ای، فشارهای اجتماعی - فرهنگی با مدیریت بدن زنان یک رابطه‌ی معنا دار و مستقیم وجود دارد. ضمن این که برآورد هم زمان ضرایب مدل رگرسیونی مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی با استفاده از آزمون F و برآورد تک تک ضرایب رگرسیونی با استفاده از آزمون T که سطح خطای آن‌ها نیز کم تر از ۵٪ بود و با توجه به مثبت بودن برآورد ضرایب متغیرها نتیجه می‌شود که با

جدول شماره ۵) نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب وضع تأهل

منبع تغییرات	مجموع مجنورات (SS)	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آزمون F	خطای آزمون
بین گروه‌ها	۳/۶۹۶	۳	۱/۲۳۲	۳/۸۸۹	۰/۰۰۹
داخل گروه‌ها	۱۱۵/۹۳۵	۳۶۶	۰/۳۱۷		
کل	۱۱۹/۶۳۱	۳۶۹			

دارای خطای آزمون کم تر از ۰/۰۵ است. به علاوه براساس نتایج توزیع میانگین گرایش به ابعاد چهارگانه مدیریت بدن بیش ترین گرایش زنان مجرد به رویه‌های لاغری و سلامتی و گرایش زنان متأهل، بی همسر بر اثر فوت و طلاق، به مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی بوده است.

فرضیه‌ی شماره (۵): به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات و میزان گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه معنا داری وجود دارد.

برای تحلیل این فرضیه با استفاده از تحلیل واریانس (روش ANOVA) جهت مقایسه میانگین میزان گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب تحصیلات انجام می‌شود که نتایج آن در جدول (۶) ارائه شده است.

با توجه به داده‌های جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب وضع تأهل مورد تأیید قرار می‌گیرد، زیرا مقدار معنا داری آزمون F، کم تر از ۵٪ می‌باشد. بنابراین، بر حسب وضع تأهل، گرایش به مدیریت بدن در شهر ایلام تفاوت معنا داری وجود دارد. در گام بعدی برای مقایسه دو به دو میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب وضع تأهل از روش آزمون LSD استفاده شد.

نتایج نشان داد که میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان مجرد با زنان متأهل و بی همسر در اثر طلاق تفاوت معنا داری وجود دارد. ضمن این که، میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان متأهل با زنان بی همسر در اثر طلاق تفاوت معنا داری وجود دارد زیرا

جدول شماره ۶) نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب تحصیلات

منبع تغییرات	مجموع مجنورات (SS)	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آماره (آزمون) F	خطای آزمون
بین گروه‌ها	۷/۶۵۶	۵	۱/۵۳۱	۴/۷۱۴	۰/۰۰۰
داخل گروه‌ها	۱۱۸/۳۴۴	۳۶۴	۰/۳۲۵		
کل	۱۲۵/۰۰۰	۳۶۹			

طبق نتایج جدول (۶) مشاهده می‌شود که فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب تحصیلات مورد تأیید قرار می‌گیرد زیرا مقدار معناداری آزمون  $F$ ، کم‌تر از  $0/05$  می‌باشد. لذا گرایش زنان شهر ایلام بر مدیریت بدن بر حسب تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد. دیپلم و بالاتر تفاوت معناداری وجود دارد. به علاوه طبق نتایج، میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با تحصیلات ابتدایی با مقدار  $3/2780$  دارای بیشترین میزان و میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با مقدار  $2/9317$  دارای کم‌ترین میزان است. فرضیه‌ی شماره (۶): به نظر می‌رسد بین وضعیت شغلی و میزان گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۷): نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب وضع شغلی

در بین زنان شهر ایلام

منبع تغییرات	مجموع مجنورات LSS	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آماره (آزمون) F	خطای آزمون
بین گروه‌ها	۱۴/۱۸۶	۴	۳/۵۴۷	۱۴/۶۹۴	۰/۰۰۰
داخل گروه‌ها	۸۸/۰۹۴	۳۶۵	۰/۲۴۱		
کل	۱۰۲/۲۸۰	۳۶۹			

زنان شهر ایلام از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. طبق نتایج (به منظور کاهش جداول از رسم جدول صرف نظر شده است)، همبستگی بین میزان درآمد و مدیریت بدن زنان شهر ایلام برابر با  $0/167$  با معناداری  $0/006$  می‌باشد که مقدار خطای آزمون آن کم‌تر از  $0/05$  می‌باشد. بنا بر این نتیجه می‌شود که بین سطح میزان درآمد و مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام یک رابطه‌ی معناداری وجود دارد که با توجه به مثبت بدون علامت همبستگی این رابطه مستقیم می‌باشد. به عبارتی هر چقدر میزان درآمد زنان بالاتر (پایین تر) باشد میزان گرایش به مدیریت بدن بیش تر (کم تر) خواهد بود. در گام بعدی، جهت مقایسه میانگین میزان گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب سطح میزان درآمد از تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شده، که شرح آن در جدول شماره (۸) آمده است.

طبق نتایج جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود، فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام در بین وضعیت شغلی مورد تأیید قرار می‌گیرد، زیرا مقدار معناداری آزمون  $F$ ، کم‌تر از  $5\%$  می‌باشد. بنا بر این، گرایش زنان به مدیریت بدن بر حسب نوع شغل آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز این مسأله را تأیید می‌کرد. ضمن این که، میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با شغل دولتی، شغل غیر دولتی، خانه دار شهر ایلام در حد متوسط قرار دارند.

فرضیه‌ی شماره (۷): به نظر می‌رسد بین سطح درآمد و میزان گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

از آنجایی که سطح درآمد نمونه مورد مطالعه در این تحقیق به صورت رتبه ای تعریف شده است برای تحلیل رابطه بین سطح درآمد و مدیریت بدن در بین



## بررسی عوامل موثر بر گرایش به جرمی های زیبایی ... علیرضا کلدی و همکاران

جدول شماره (۸): نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام بر حسب میزان درآمد

منبع تغییرات	مجموع مجنورات LSS	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آماره (آزمون) F	خطای آزمون
بین گروهها	۱۲/۰۶۸	۶	۲/۰۱۱	۳/۹۹۱	۰/۰۰۱
داخل گروهها	۱۸۲/۹۷۰	۳۶۳	۰/۵۰۴		
کل	۱۹۵/۰۳۸	۳۶۹			

تحلیل رابطه بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. طبق نتایج، همبستگی بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام برابر با  $0/180$  با معناداری  $0/001$  می‌باشد که تعداد خطای آن کم تر از  $5\%$  می‌باشد، بنا بر این نتیجه می‌شود که بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه‌ی معنا داری وجود دارد و از آن جا که علامت همبستگی مثبت است. بنا بر این بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام یک رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. به عبارتی، هر چقدر طبقه‌ی اجتماعی زنان بالا تر (پایین تر) باشد میزان گرایش به مدیریت بدن بیش تر (کم تر) خواهد بود. در گام بعدی، جهت مقایسه میانگین میزان گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب طبقه‌ی اجتماعی از تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شده است، که شرح آن در جدول شماره (۹) آمده است.

با توجه به نتایج جدول (۸) مشاهده می‌شود، فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب میزان درآمد مورد تأیید قرار می‌گیرد، زیرا مقدار معناداری آزمون F، کم تر از  $5\%$  می‌باشد. بنا بر این، گرایش زنان به مدیریت بدن بر حسب میزان درآمد تفاوت معنا داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز این مسأله را تأیید می‌نماید. ضمن این که میانگین گرایش به مدیریت بدن بر حسب میزان درآمد زنان با درآمد بالای ۳ میلیون تومان با مقدار  $3/2948$  دارای بیش ترین میزان و میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با درآمد کم تر از یک میلیون تومان با تعداد  $2/8918$  دارای کم ترین میزان است. فرضیه‌ی شماره (۸): به نظر می‌رسد بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه‌ی معنا داری وجود دارد. بدین معنی که توجه به مدیریت بدن در بین زنان بر حسب طبقه‌ی اجتماعی متفاوت است. از آنجایی که طبقه‌ی اجتماعی نمونه مورد مطالعه در این تحقیق به صورت رتبه ای تعریف شده است برای

جدول شماره (۹) نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین گرایش به مدیریت بدن زنان شهر ایلام بر

### حسب طبقه‌ی اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مجنورات LSS	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات (MS)	آماره (آزمون) F	خطای آزمون
بین گروهها	۴/۴۷۶	۲	۲/۲۳۸	۸/۳۹۸	۰/۰۰۰
داخل گروهها	۹۷/۸۰۴	۳۶۷	۰/۲۶۶		
کل	۱۰۲/۲۸۰	۳۶۹			

این مسأله را تأیید می‌نماید. ضمن این که توزیع میانگین گرایش به مدیریت بدن نشان داد که زنان با طبقه اجتماعی بالا  $3/3626$  دارای بیش ترین میزان و میانگین گرایش به مدیریت بدن در بین زنان با طبقه اجتماعی پایین با مقدار  $2/9907$  دارای کم ترین میزان است.

طبق داده‌های جدول (۹) مشاهده می‌شود، فرض تفاوت میانگین گرایش به مدیریت بدن در زنان شهر ایلام بر حسب طبقه‌ی اجتماعی مورد تأیید قرار می‌گیرد. زیرا مقدار معنا داری آزمون F، کم تر از  $5\%$  می‌باشد. بنابراین بین طبقه‌ی اجتماعی - اقتصادی زنان و گرایش به مدیریت بدن در شهر ایلام تفاوت معنا داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز

## بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی عوامل مرتبط با مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام پرداختیم. با عنایت به یافته‌های تحقیق، در میان ابعاد مدیریت بدن، میزان مطلوبیت بُعد رویه‌های لاغری و سلامتی بالا تر از سطح متوسط قرار دارد. اما ابعاد جراحی‌های زیبایی، نوع لباس (پوشش)، مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی، پایین تر سطح متوسط قرار دارد و به طور کلی میانگین ابعاد مدیریت بدن ۲/۹۷۸ می‌باشد که نشان می‌دهد مدیریت بدن از دیدگاه نمونه پژوهش در سطح متوسطی قرار دارد.

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش که با آزمون‌های متناسب بررسی شد، بین مدیریت بدن با مولفه‌های سن، وضع تأهل، میزان تحصیلات، وضع اشتغال، طبقه اجتماعی، مصرف رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی - فرهنگی رابطه معنا داری وجود دارد. طبق نتایج، بین سن و مدیریت بدن زنان شهر ایلام با میزان همبستگی ۰/۳۷۱ - و سطح معنا داری ۰/۰۰۰ یک رابطه معنا دار و معکوس وجود دارد به این معنا که با بالا (پائین) بودن سن، میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام کاهش (افزایش) می‌یابد. بر حسب پژوهش رابینسون، جکسون، ذکایی، ادیبی سده و همکاران، سن از عوامل اجتماعی تعیین کننده نوع مدیریت بدن است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) نشان داد که گرایش زنان به مدیریت بدن بر حسب وضع تأهل تفاوت معنا داری وجود دارد. مقایسه دو به دو میانگین گرایش به مدیریت بدن زنان بر حسب وضع تأهل با استفاده از آزمون LSD نشان داد که میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان مجرد با زنان متأهل و بی همسر در اثر طلاق تفاوت معنا داری داشت. به علاوه براساس نتایج توزیع میانگین گرایش به ابعاد چهار گانه مدیریت بدن گرایش زنان مجرد بیش تر به رویه‌های لاغری و سلامتی و گرایش زنان متأهل، بی همسر بر اثر فوت و طلاق بیش تر به مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی بوده است. این نتیجه با یافته‌های تحقیق احمدی و همکاران، هم سو می‌باشد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین تحصیلات و مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه معنا دار با همبستگی منفی وجود دارد به این معنا که بین تحصیلات و مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام یک رابطه‌ی معکوس وجود دارد به عبارتی هر چه قدر میزان تحصیلات زنان بالا تر باشد میزان گرایش به مدیریت بدن کم تر خواهد بود و بر عکس. طبق پژوهش آزاد ارمکی و چاوشیان، تحصیلات از عوامل اجتماعی تعیین کننده نوع مدیریت بدن است. افزایش تحصیلات زنان را موجب می‌کند که در دوره‌های متفاوت زندگی متناسب با تحصیلات خود نسبت به کنترل، تنظیم و مانیتور بدن خود اقدام کنند. پژوهش ادیبی و همکاران، نشان داد که بین تحصیلات و مدیریت بدن زنان همبستگی معنا داری وجود دارد.

تحقیق حاضر نشان داد که بین مصرف رسانه‌ای و مدیریت بدن زنان شهر ایلام، با میزان همبستگی ۰/۴۵۸ و سطح معنا داری ۰/۰۰۰ یک رابطه‌ی معنا دار مستقیم وجود دارد. تحلیل مدل رگرسیونی مولفه‌ی مصرف رسانه‌ای نشان داد که برآورد ضریب مولفه‌ی مصرف رسانه‌ای مثبت است و نتیجه می‌شود که با بالا (پایین) بودن مصرف رسانه‌ای، میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام افزایش (کاهش) می‌یابد. طبق نظریه استیک، رسانه گروهی در انتقال فشارهای اجتماعی - فرهنگی برای لاغر شدن نقش مهم بازی می‌کند. فدرستون، نیز عامل اصلی تنظیم و مدیریت بدن در فرهنگ مصرفی را رسانه‌ها می‌داند. لذا، رسانه‌ها در جهان امروز، یکی از عوامل اصلی مدیریت بدن محسوب می‌شوند. تأثیر مصرف رسانه‌ای بر مدیریت بدن در پژوهش‌های داخلی ذکایی، موسوی زاده و همکاران و ربانی و درستکار نیز تأیید شده است. هم چنین این پژوهش نشان داد که بین طبقه اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام رابطه‌ی معنا دار وجود دارد. طبق نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۱۸۰) و سطح معناداری (۰/۰۰۱) که مقدار خطای آن کم تر از ۵٪ است بین طبقه‌ی اجتماعی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام یک رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. به این معنا که هر چه قدر طبقه‌ی اجتماعی زنان بالا تر (پایین تر) باشد میزان گرایش به مدیریت بدن بیش تر (کم تر)

به طور کلی و بر اساس نتایج پژوهش، فشارهای اجتماعی- فرهنگی و رسانه‌ای در گرایش زنان به مدیریت بدن و انجام جراحی‌های زیبایی مؤثر می‌باشند. به این معنا که فشارهای هنجاری که از سوی جامعه، گروه همسالان و رسانه‌ها جهت هم‌نوایی با استانداردهای زیبایی به زنان تحمیل می‌شود به نوبه‌ی خود بر تصور از بدن آن‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود زنان تصویر نا مطلوبی از بدن خویش در ذهن ایجاد کنند که به مدیریت بدن و جراحی‌های زیبایی منجر می‌شود.

با توجه به این که در خصوص موضوع مورد مطالعه تاکنون (زمان انجام این تحقیق) در استان ایلام پژوهشی صورت نگرفته است پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابهی در نمونه‌های دیگر، به ویژه به صورت مقایسه‌ای بین پسران و دختران صورت گیرد. بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه‌ی معنا دار و مثبتی بین مصرف رسانه‌ای و گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام ملاحظه شد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که ابعاد مختلف اثر گذاری رسانه‌ها بر مدیریت بدن مورد مطالعه قرار گیرد. برای نمونه با توجه به افزایش ضریب نفوذ ماهواره، اینترنت و رسانه‌های جدید در جامعه و به ویژه در بین خانواده‌ها، این موضوع می‌تواند به طور مستقل مورد مطالعه قرار گیرد.

خواهد بود. این یافته هم سو با نتایج مطالعات قادرزاده و همکاران، فاتحی و اخلاصی و رضایی می‌باشد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین فشارهای اجتماعی- فرهنگی و مدیریت بدن زنان شهر ایلام، با میزان همبستگی ۰/۵۷۹ و سطح معنا داری ۰/۰۰۰ یک رابطه‌ی معناداری و مستقیم وجود دارد. ضمن این که تحلیل مدل رگرسیونی مولفه‌ی فشارهای اجتماعی- فرهنگی بر مدیریت بدن زنان شهر ایلام نشان داد که برآورد ضریب مولفه‌ی فشارهای اجتماعی- فرهنگی مثبت و نتیجه می‌شود که با بالا (پایین) بودن فشارهای اجتماعی- فرهنگی، میزان گرایش به مدیریت بدن در بین زنان شهر ایلام افزایش (کاهش) می‌یابد. میزان سهم مولفه‌ی فشارهای اجتماعی- فرهنگی در تبیین مدیریت بدن زنان شهر ایلام ۳۳/۵ می‌باشد. این نتیجه، با نتایج پژوهش رضایی و همکاران، احمدی و همکاران، هم سو می‌باشد. یافته‌های پژوهش هم چنین از نظر شدت رابطه بین احساس فشارهای اجتماعی- فرهنگی و مدیریت بدن بیانگر ارتباط مثبت و متوسط است. فشارهای اجتماعی- فرهنگی، از قبیل خنده‌ها و تمسخرها و هم چنین نیاز محیط‌های کار به افراد متناسب سبب می‌شود که کسانی که این ویژگی را ندارند دچار خود کم بینی و فقدان اعتماد به نفس شوند، بنا بر این برای کسب محبوبیت به زیبایی و تناسب اندام روی می‌آورند.

## Reference

1. Ghaderzadeh O, Hiroosh GH, Hasanpanah H. [the effect of mass media on body management among women]. J woman Soc 2013;3:125-53. (Persian)
2. Cregan K. The sociology of the body mapping the abstraction of embodiment. London SAGE Publication. 2006. P.232.
3. Abazari Y, Chavoshian H. [From Social Class to Life Style, New Approaches in Sociological Analyses of Social Identity]. J Social Science Letter: 2002, 3-27. (Persian)
4. Keyvanara M, Rabbani R, Zhianpoor M. [Social classification and body modification cosmetic sturgery as social status symbol]. J Women Strat Stu 2010; 12: 73-93. (Persian)
5. Adibisadeh M, Alizadeh M, Koohi K, [sociology indication of body management among women]. J Soc Psychol Stu Women 2012; 3: 59-84. (Persian)
6. Zareshahabadi A, Taher M. [Study of body management style of women and girls of Yazd City]. J Soc Lige Style 2016; 1: 67-95(Persian)
7. Ahmadnia SH. [Sociology of the body and the body of women]. Women J 2006;2:132-43. (Persian)
8. Featherstone M, Hepworth M, Brayen S. The body social process and cultural theory. London SAGE Publication. 2001;P.144.

9. Khajenoori B, Moghadam AA. [Globalization and womens social capital]. J Soc Sci2009; 5: 131-54. (Persian)
10. Fatehi A, Ekhlesi E. [Body management ant its relationship with social acceptance of body]. J Women Strat Stud2008;11:7-49. (Persian)
11. Rezei A, Inanlo M, Fekri M. [Body management and its relationship with social factors among Mazandran University Girls]. J Women Strate Stu 2009;3: 141-64. (Persian)
12. Azadarmaki T, Chavoshian H. [Body as identity]. J Soc 2002; 4: 57-75. (Persian)
13. Adibisadeh M, Alizadeh M, Koochi K. [Sociology indication of body management among women]. J Soc Psychol Stud Women2012; 3:59-84. (Persian)
14. Mosazadeh SM, NiaziShahraki F, Hormozi K, FadaeeNaeeni A, Nasri, M, [Investigating tendency and motivation of female patients in beauty surgeries]. J Res2010;3: 318-23. (Persian)
15. Glazer RN. Womens body image and low. J Dukelaw1992; 43:113-47.
16. Tylko TL. Refinement of the tripartite influence model for men Dual body image pathways to body change behaviors. J Body Image2011;6: 83-9.
17. Bardonecone AM, Cass KM, Ford JA. Examining body dissatisfaction in young men within a biopsychic social from work. J Body Image2008; 5: 183-94.

## Investigating the Effective Factors on tendency to beauty surgeries and Body Management among women of Ilam during 2016

Ghobadi H<sup>1</sup>, Kaldi A<sup>\*1</sup>, Sadeghmahdavi M<sup>1</sup>

(Received: May 15, 2017

Accepted: June 6, 2017)

### Abstract

*Introduction:* now a day, body management and its effective variables are important discussions in medical sociology. Body has not just living and psychological dimension, and it is a component that is structured socially.

*Materials & methods:* the present study is descriptive- correlative. Research population is includes all women with age range of 19-44 in Ilam city that were 47090 cases based on report of center of statistics of Iran in whom 381 cases were selected by Cochran Formula and were selected by multilevel clustering sampling method. But because of missing data in 11 questionnaires, 370 questionnaires were selected for final analysis. Research instrument is author- made questionnaire. Body management was studied in four dimensions of thinness procedures, healthiness, beauty surgeries, cover type and health care. For data analysis and testing hypotheses, descriptive statistics (mean, frequency, percent) and inferential statistics (K-S, correlation coefficient of

Pearson, Spearman and simple regression and variance analysis) were used and so SPSS software was used.

*Findings:* the findings show that majority of studied women are married, householder and in middle class. Also variables of age, media consumption, cultural- social stress, married conditions, education degree and income are related with body management.

*Discussion & conclusions:* media in modern time is one of the main factors of body management and play and important role in transferring social- cultural pressure for thinness and body fitness. Also education is one of the important social factors for determine management type. Higher education necessitates women to control arrangement and monitor body in various life times related to their education.

*Key words:* Body management, Media consumption, Social- cultural stresses, Ilam women

1. Dept of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Dept of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

\* Correspondin author Email:arkaldi@yahoo.com